

فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل‌وهشتم، زمستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۷-۴۸

غالیان در عصر امام حسن عسکری علیه السلام

احمد فلاح‌زاده^۱

چکیده

با رشد مذاهب انحرافی در سده سوم هجری، غالیان شیعی نیز سازمان یافته‌تر و اثرگذارتر عمل کردند. غلو در عصر امام حسن عسکری علیه السلام رشد محسوسی داشت. این مقاله با هدف دستیابی به چرایی و چگونگی فعالیت غالیان در عصر امام حسن عسکری علیه السلام، به بررسی وضع غلو در آن عصر و نوع برخورد امام علیه السلام با آن می‌پردازد. این پژوهش برای تبیین داده‌های کتابخانه‌ای، بر اساس نظریه شکل‌گیری فرقی از روش تحلیل تاریخی - حدیثی بهره برده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسائل ناشی از ناباوری گروهی از شیعیان نسبت به امامت آن حضرت، بی‌ثباتی خلافت عباسی و تلاش عباسیان برای به انحراف کشاندن امامیه و قرار گرفتن شیعه در شرایط غیبت امام دوازدهم علیه السلام شرایط را برای گسترش غلو فراهم کرد.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری علیه السلام، عصر غیبت، غالیان، غلو.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. a.fallahzadeh@urd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۱/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۲/۲۷

The Ghulāt during the era of Imam Ḥasan ‘Askarī (a.s.)

Ahmad Fallahzadeh¹

Abstract

The 3rd Hijri century (AH) witnessed the rise and spread of various deviant sects, including the ghulāt (extremists) among the Shi'a. The phenomenon of ghulāt experienced a significant rise during the era of Imam Ḥasan ‘Askarī (a.s.). This article explores the reasons behind the proliferation of ghulāt activities in that period was mentioned and examines the Imam's approach in dealing with them. To achieve this, the present paper investigates the phenomenon of ghulū (exaggeration) during the era of the eleventh Imam and analyzes the methods employed by the Imam to combat it. The research utilizes a historical-Ḥadīth analysis based on the theory of the formation of sects to interpret library data. The findings of the study indicate that the spread of ghulū in the era of Imam Ḥasan ‘Askarī (a.s.), stemmed from multiple factors, including the disbelief of some Shi'as in the Imamate of Imam Ḥasan ‘Askarī (a.s.), the political instability of the Abbasid caliphate, the Abbasids' attempts to deviate the Imamiyyah, The impending occultation of the twelfth Imam.

Keywords: Imam Ḥasan ‘Askarī (a.s.), Occultation Period, The Ghulāt, ghulū.

1. Assistant Professor, Department of History, University of religions & denominations, Qom, Iran. a.fallahzadeh@urd.ac.ir

درآمد

امامیه از آغاز همواره شاخه‌ای از غلو را در کنار خود تجربه کرده است. غالیان از یک جمعیت کم‌شمار با اعتقاداتی ساده اما کفرآمیز، به مرور زمان به گروهی تأثیرگذار تبدیل شدند. پس از شهادت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۴، شرایط سیاسی-مذهبی جامعه شیعی و وضع عمومی خلافت عباسی طی سال‌های ۲۵۲-۲۵۶ هجری دچار تحولاتی شد که در نتیجه آن غالیان شیعی زمینه را برای افزایش فعالیت خود مناسب دیدند. این پژوهش در پی واکاوی فعالیت‌های غالیان در خلال سال‌های ۲۵۴-۲۶۰ هجری یعنی عصر امام حسن عسکری علیه السلام است. برای شناخت کیفیت فعالیت‌های غالیان لازم است به زمینه‌ها، نوع فعالیت‌ها و پیامدهای آنان پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

مقاله «سیره امام حسن عسکری علیه السلام در برخورد با فرقه غلات» نوشته روح‌الله زاده اندواری و ربیع نتاج (۱۳۹۲ش) تلاش می‌کند تا غلو در عصر امام حسن عسکری علیه السلام را معرفی کند اما تعریف دقیقی از غلو ارائه نمی‌کند. آنها معتقدند «گروه‌های الحادی غلات شیعه، واقفیه، مفوضه، صوفیان، ثنویه و مانند اینها در جامعه حضور داشتند و به سهم خود در تحریف عقاید شیعیان کوشش می‌کردند»؛ در حالی که اساساً بسیاری از این گروه‌ها جزو غالیان نیستند. مقاله «رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری علیه السلام در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت» به قلم احمدی کچایی و ترابی میدی (۱۳۹۳ش)، نام بسیاری از سران غلات را ذکر می‌کند اما به دلیل اشاره نکردن به دوره‌بندی عصر ائمه سامرا، و تحولات سیاسی این دوره، پژوهش خود را بر «اصل خفقان سیاسی» بنا نهاده و بر این اساس به سراغ غلو رفته است. در حالی که در پژوهش پیش‌رو این مبنا تأیید نمی‌شود. همچنین آن مقاله در طبقه‌بندی غالیان به «صوفیه» نیز می‌پردازد در حالی که صوفیه فرقه‌ای درون شیعی نیست و اساساً گزاردن نام صوفی بر شماری از شیعیان تنها کنایه به زمینه زهد آنها دارد. از سوی دیگر تعالیم غالیانه شماری از افراد نامدار مانند صاحب زنج در آن مقاله مطرح نشده است. حاجی‌زاده (۱۴۰۲ش) در مقاله «غالیان زمان امام حسن عسکری علیه السلام و تذکر یک

اشتباه» می‌نویسد: «بسیاری از کسانی که به عنوان غالیان زمان امام حسن عسکری علیه السلام معرفی شده‌اند، در اصل از غالیان زمان امام هادی علیه السلام هستند». در واقع این مقاله تلاش می‌کند تا نام برخی از غالیان ثبت شده در عصر امام حسن عسکری علیه السلام را به عصر امام دهم منتسب کند. همچنین تحقیق ایشان از نظر موضوع و روش پژوهش با تحقیق پیش‌رو ناهمسو است. حاجی زاده و رجبی (۱۳۹۴ش) پیش از این در کتاب *غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم علیهم السلام به گونه‌شناسی و چرایی پیدایش غلو تا پایان عصر غیبت صغری*، شیوه برخورد امامان با غالیان و همچنین تطور شیوه‌های برخورد امام علیه السلام با غالیان پرداخته بود اما دایره پژوهش آن کتاب بیشتر مربوط به دوره سایر ائمه است. مقاله «فکر الامامین العسکریین علیهم السلام فی رد تقافه التطرف الدینی^۱» اثر صریفی و ربیعی (۲۰۱۸م) تنها در سه صفحه به غلو در عصر امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرده است و فاقد شباهت محتوایی با پژوهش حاضر است. همچنین رحیم خریبط (۲۰۲۲م) در مقاله «الامام الحسن العسکری علیه السلام دراسه فی التأثير و التأثير» تنها به دو گزاره از امام علیه السلام درباره نهی از غلو بسنده کرده است.

زمینه‌های غلو در عصر امام حسن عسکری علیه السلام

واژه غلو در لغت به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود چیزی است (فراهیدی، ۱۴۶۷؛ راغب اصفهانی، ۳۶۵). غلو در اصطلاح نوعی انحراف عقیدتی و دارای انواع گوناگونی است. منظور از غلو در این نوشتار، زیاده‌گویی و باور به چیزی بیرون از دایره قرآنی و آموزه‌های اهل بیت درباره اعتقادات و شبکه باورهای اسلامی است.

۱. شرایط سیاسی

منظور از شرایط سیاسی، خال‌های حکومتی است که در نتیجه آن زمینه بروز فرقه‌سازی و حرکت‌های فرقه‌ای در سطح جامعه پدید می‌آید. در عصر امام حسن عسکری علیه السلام شرایط سیاسی با تفسیری که از نظر خواهد گذشت، زمینه برای حضور

۱. اندیشه امامین عسکریین علیهم السلام در رویارویی با فرهنگ افراط‌گرایی دینی.

غلو فراهم شد.

۱-۱. درگیری‌های درونی عباسیان

عصر امام حسن عسکری علیه السلام گرچه دوره کوتاهی (۲۵۴-۲۶۰) از خلافت عباسی را در بر می‌گیرد؛ اما فراز و نشیب تند سیاسی این دوره و ناپایداری اوضاع خلافت به گونه‌ای بود که در دوره امامت آن حضرت، حکومت میان سه گروه کاملاً مخالف، معتز پسر متوکل، مهتدی پسر واثق و معتمد پسر متوکل دست به دست شد (طبری، ۳۹۱/۹؛ فلاح زاده و سپهری، ۱۹۹-۲۱۳؛ فلاح زاده، «از اصلاحات سیاسی...»، ۷۷-۸۹). خلافت عباسی به دو بخش تقسیم و هر کدام پایتختی را برای خود برگزیدند، به گونه‌ای که هم‌زمان یک خلیفه با پشتیبانی ترکان در سامرا و دیگری با پشتیبانی ایرانیان در بغداد خود را خلیفه خواندند. این موضوع به ماه‌ها جنگ داخلی و خرابی شهرهای سامرا و بغداد منتهی شد. در پی نابسامانی، معتز تنها سه سال یعنی از ۲۵۲-۲۵۵ و مهتدی کمتر از یک سال ۲۵۵-۲۵۶ هجری، خلافت عباسی را به دست گرفتند و هر دو از سوی مخالفانشان به طرز فجیعی کشته شدند (فلاح زاده، «تعامل امامیه...»، ۱۶۷-۱۹۷).

شورش ابودلف در مرکز ایران (آوه)، قیام قمی‌ها، شورش اهل ری، قیام مردم طبرستان، قزوین و دیلمان و جنگ‌های علویان با خلافت عباسی، شرایط ناپایدار سیاسی را به شدت گسترش داد چنان‌که حتی در میان درباریان، بیم سقوط خلافت عباسیان وجود داشت (طبری، ۳۷۲/۹، ۳۸۱). این آشفتگی سیاسی، زمانه را برای بروز فعالیت‌های مذهبی جدید و امکان ظهور تضادهای دینی (فرقه‌سازی) آماده کرد؛ چرا که ناپایداری خلافت عملاً امکان مهار فرقه‌ها را از بین می‌برد.

۱-۲. شورش‌های قومگرایانه (شعوبی) با رویکرد اعتقادی

بخشی دیگر از نابسامانی اوضاع، ناشی از شورش‌های قومی بود. شماری از این شورش‌ها با رویکرد شعوبی (ملی‌گرایی یا قوم‌گرایی) شکل گرفتند. این شورش‌ها برای آشکار سازی دشمنی خود با خلافت، از مؤلفه‌های قومی بهره گرفتند. بخشی از این مؤلفه‌ها، همان آیین‌های بومی و محلی بودند که شورشیان با تکیه بر آنها به گردآوری

نیرو دست می‌زدند. در واقع شماری از حرکت‌های قومی برای ایجاد یکپارچگی میان هواداران، از آیین‌های محلی و قومی پشتیبانی می‌کردند که بخش عمده‌ای از آنها، حاوی مفاهیم غلوانه بود. شورش مازیار که پیروانش به «مازیاریه» معروف شدند (طبری، ۸۰/۹-۱۱۰)، نمونه‌ای از شورش‌های محلی با بستر باورهای قومی است.

صاحبان این شورش‌ها دریافت‌های باستانی از ادیان کهن بومی خود را به جامعه اسلامی انتقال می‌دادند و هواداران‌شان، نماینده این باورها در میان مردم جامعه اسلامی بودند؛ از این رو تخیل و داستان‌پردازی ایرانی سهم سترگی در دین‌پردازی بازی می‌کرد که نمونه آن در داستان‌های فردوسی نیز دیده می‌شد. این امر در واقع حکایات اجتماعی ایرانیان سده‌های کهن بود که از بستر آماده این رفتار دینی در میان ایرانیان پرده برمی‌داشت. این موضوع به‌ویژه، در سرزمین‌هایی که مبلغان دینی، به دلیل نبود امنیت و صعب‌العبور بودن (مناطق خطرناک کوهستانی) به آنجا نمی‌رفتند، زمینه فراهم‌تری داشت. همچنین کوهستان محل فرار این دست از مشرب‌های دینی بود که از سوی خلافت پذیرفته نمی‌شدند.

فراوانی خرمیان به عنوان یکی از فرقه‌های شعوبی آن دوره - در اصفهان، کرج ابی‌دلف (اطراف آوه)، کوه‌دشت، همدان، نهاوند و آذربایجان و وجود گروه‌های دیگر مانند مزدکیه، ماهانیه و دوگانه پرستان در آن شهرها، زمینه را برای ورود باورهای نزدیک به آنان در میان مسلمانان فراهم می‌کرد (مسعودی، *التنبیه*، ۳۰۶). به‌رغم مبارزه عباسیان با این دست اعتقادات، این نوع تفکرات غالبانه در قرون بعدی نیز تداوم یافت. شاخه‌ای از این نوع باورها، بعدها در غرب ایران، در فردی به نام شاه‌خوشین^۱ بروز کرد که پیروانش معتقد بودند ذات یزدان (= خداوند) در وی تجلی یافته است (ثواقب و دیگران، ۶۴).

ادیان پیشین ایرانی نیز سهمی در باورهای غالبان داشتند چنان‌که برخی از باورهای غلات مانند تاویل روح یا انواع پاداش و عقاب، برگرفته از متون مانوی بود (دفتری،

۱. شخصیت تاریخی - مذهبی شاه خوشین (۴۶۷-۴۰۶) در میان یارسان (اهل حق) از قداست فراوانی برخوردار است.

۶۷). مزدکیان و زندیقان نیز در این شبکه معرفتی قرار می‌گرفتند و بستری فکری غالیان شمرده می‌شوند (نوبختی، ۴۶). حتی پاره‌ای از باورهای زندق‌ها، در غالیان شیعه راه یافت و ماندگار شد (Adang & et al, 69).

۳-۱. نهضت ترجمه

یکی دیگر از زمینه‌های غالی‌گری، برداشت‌های متون اسلامی از انتقال مفاهیم سایر ملل در قالب نهضت ترجمه بود. این موضوع، درست زمانی روی داد که مدارس علمی ایرانی، هندی، سریانی، بلاد شرق ادنی و اسکندریه در زمینه علمی مانند فلسفه و باورهای ملی هند و اروپایی، اندیشه‌های خود را وارد دنیای اسلام کردند (نجف پور و دیگران، ۱۶۵). بر خلاف تصویری که نهضت ترجمه را صرفاً ترجمه یکسری از کتب پزشکی، فلسفه، نجوم، آیین حکمرانی، علوم اخلاقی و مانند اینها می‌دانند، بخش مهمی از ترجمه‌ها، زمانی روی می‌داد که شارحان آنها، کتاب‌ها را بر اساس فرهنگ دینی خود تفسیر می‌کردند. برای مثال کتاب‌هایی که از هندی و یا ایرانی ترجمه شده بودند، مترجمان بر اساس فرهنگ دینی خود آنها را تفسیر کرده و زمینه را برای پذیرش باورهای دینی نویسنده در جامعه مخاطبان فراهم می‌کردند.

۳-۱. ادبیات و شعر

تخیل ادبیاتی، از یکسو ظرفیت باورسازی به‌ویژه در میان عامه مردم را دارد و از سوی دیگر گسترش ادبیات غالیانه، نوعی پشتیبانی ادبی از جریان‌سازی اجتماعی برای باور به غلو را ایجاد می‌کند. در ادبیات صدر اسلام نیز نوعی گفتمان غلو از شعرهای تخیلی بازمانده از دوره جاهلی باقی مانده بود. چکامه‌های مانده از عصر پیامبر ﷺ که به مثابه وصفی غلو آمیز بر سر زبان‌ها می‌افتاد، شرایط فکری را برای زمینه باور به غلو را فراهم می‌کرد، حال آنکه در واقع این خود شعر بود که اساساً با غلو و زیاده‌گویی، دلنشین‌تر به نظر می‌رسید. برای نمونه در متون عصر عباسی از زبان عباس عموی پیامبر شعری در شأن پیامبر ۹، پس از بازگشت از تبوک وجود دارد (مسعودی، مروج، ۱۰۵-۱۰۶؛ زجاجی، ۶۵). این شعر در واقع از آن حسان بن ثابت (۴۹۸/۱) بود. به جز

چامه‌سرایان، قصه‌گویان نیز در شهرهای مختلف به طمع کسب روزی با داستان سرایی عجیب و غریب می‌کوشیدند یک ماجرا را چنان پر و بال دهند تا خواننده را جذب کنند (ابن کثیر، ۲۴/۹). این فریه‌سازی‌ها، در پایان به نوعی غلو در روایت و رویدادها منجر می‌شد (ابن جوزی، *التقاصص*، ۳۰۲؛ همو، *الخبار*، ۱۲۸). بیشترین حضور فکری غالیان، برداشت از دو مکتب فکری بود که یکی به حلول و تناسخ باور داشت و دیگری اساساً از ترک شریعت دم می‌زد و این موضوع در ادبیات کهن ایران ریشه داشت (نک. یزدانی، ۹۹).

۲. شرایط مذهبی

۲-۱. رخدادهای درون شیعی

امام حسن عسکری علیه السلام در شرایطی به امامت رسید که جامعه امامیه از درون با یک دشواره- نپذیرفتن امامت ایشان از سوی برخی از شیعیان سابق- روبه‌رو بود. این موضوع به گسترش فعالیت غالیان منجر شد (نک. نظریگی و فلاح زاده، ۱۰۹-۱۳۴). بر همین اساس آن حضرت در روایتی بلند جامعه شیعه را به سه دسته تقسیم کرد: گروهی که به حق پای‌بند بوده و هیچ تردیدی در آن نداشتند (معتقدان به امامت آن حضرت)؛ گروه دوم کسانی که حق را از مسیرش پیگیری نمی‌کرده و سرگردان بودند (به امامت ایشان یقین نداشتند) و گروه سوم کسانی که شیطان آنها را سرپرستی می‌کرد (امامت آن حضرت را نپذیرفتند) (مسعودی، *اثبات*، ۲۴۷). قائل بودن برخی به امامت محمد پسر بزرگ امام هادی علیه السلام به عنوان امام یازدهم، کار را بسیار دشوار کرده بود (کلینی، ۳۲۶/۱؛ خصیبی، ۳۸۵). پیروان محمد مدعی بودند، امام حسن عسکری علیه السلام را آرموده و او را دارای علم امامت نیافته‌اند (شهرستانی، ۱۹۹/۱-۲۰۰). در حالی که برخی از یاران امام علیه السلام (کلینی، ۵۳۹/۱۳) و در صدر آنها ابوهاشم جعفری بارها امام علیه السلام را آرمودند و در نهایت از نزدیکترین یاران آن حضرت شدند (مسعودی، *اثبات*، ۲۴۹).

۱. در پژوهش‌های جدید روشن شده‌است که *اثبات الوصیه* را شلمغانی نوشته است (نک. غفوری نژاد و ذاکری، ۹۷-۱۱۵).

۲-۲. امتداد حضور اجتماعی-فرهنگی غالیان سابق

انتقال بیت امامت از مدینه به سامرا در سال ۲۳۳، مایه دوری ائمه از مدینه و موجب سوء استفاده غالیان شد. به‌رغم مبارزه پیشوای دهم، شماری از فرقه‌های اهل غلو، که از عصر ائمه سابق، فعال بودند، در اثر زمان دچار تحول شدند و دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دادند. فضل بن شاذان (متوفای ۲۶۰) یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام تصویری روشن از آن دوره به دست می‌دهد. وی به مثابه صاحب نظریه «گفتمان تخم مرغی فرّقی» فرقه‌های آن روزگار را این گونه دسته‌بندی کرده است: یکم، فرّقی پوست تخم مرغی که مانند پوست تخم مرغ، رفتارها و باورهایشان آشکار و علنی بود، مانند مرجئه، حدیثه، معتزله، جبریه، خوارج، شیعه و دیگران. دوم، فرقه‌های داخل پوسته (مثل سفیده تخم مرغ) که برای شناسایی آنها نیاز به شکافتن پوسته پنهان‌گر آنها بود. این فرقه‌ها در برابر ارواح قرار داشتند، مانند خطّابیه، محمّره، مخمّسه، میبضه، تناسخیه، سمابلیه، دهریه، کیالیه، بدئیّه، سهروردیه، حلاجیه، منهالیه و عامریه که همگی باورهای باطنی (عقاید پنهان) داشتند. سوم، نحله‌هایی که مانند زرده تخم مرغ، باورهایشان از یک سو کاملاً ناپیدا بود و از سوی دیگر این معتقدات در برابر عقل قرار داشت (ابن شاذان، ۷۶-۷۷).

معاصر با فضل بن شاذان، ناشی اکبر (متوفای ۲۹۳) از شش فرقه کفرآمیز منشعب از شیعه نام می‌برد که با نام‌های منصوریه، بیانیه، خرمیه، مغیره، بشیریه و خطّابیه (ناشی اکبر، ۱۹۹)، به ترویج معتقدات خود و تبلیغ آن می‌پرداختند. «منصوریه»، یاران «مستتیر اُبی منصور» بودند که از نظر آنها پس از امام باقر علیه السلام امامت به ابومنصور رسیده بود (همان، ۱۹۸). آنها در میان جامعه امامیه حضور داشتند. «مغیره»، اصحاب مغیره بن سعید، امامت محمد نفس زکیه را پس از امام باقر علیه السلام پذیرفته بودند. از نظر آنها «نفس زکیه روحی داشت که مردگان را زنده می‌کرد، غیب می‌دانست، کوری و پیسی را شفا می‌داد و به همه چیز آگاه بوده و تنها او علم باطن قرآن را می‌دانست». گروه دیگر «بیانیه» بود. اصحاب بیان بن سمعان، وی را پروردگار عالم می‌دانستند و می‌گفتند او چنان جایگاهی دارد که سیارات آسمان پاسخ سلام او را می‌دهند (همان، ۱۹۸-۱۹۹).

۳-۲. فعالیت گروه‌های غالی

در بستر درگیری‌های درون دربار اوضاع چنان دگرگون شد که شماری از باورهای غلات به سرعت در میان مردم نشر یافت و بستری را فراهم کرد که مایه متهم شدن امامیه به باورهای انحرافی شد. از آن جمله اعتقاد ابوالخطاب که «الله» را در برخی از آیه‌های قرآن تفسیر به رأی می‌کرد و مقصود از آن را علی علیه السلام می‌دانست. طیف شاگردان ابوالخطاب با اعتقاد به علم غیب برای امام صادق علیه السلام و روایاتی به ایشان نسبت دادند که مایه دور شدن دیگران از مکتب امامیه شد. در واقع یکی پنداشتن غلات با امامیه و انحراف جدی آنها، هویت فرهنگی اجتماع امامیه را در معرض خطر قرار داد (سجادی و فرخی، ۱۵).

قیام‌های علویان یا افراد منسوب به این طیف که در قیام خود از راهکارهایی چون امور خارق العاده و علوم غریبه بهره می‌بردند، سرآغازی بر حرکتی سیاسی با منشأ غلو شد. به گواه داده‌های تاریخی، صاحب زنج (زنگ) با ادعای انتساب به اهل بیت، در سال ۲۵۰ هجری دست به شورش زد که مورد استقبال مخالفان خلافت عباسی و شیعیان قرار گرفت (طبری، ۱۶۷/۹، ۴۲۱). در سال ۲۵۶ وی با رفتارهای غیرعادی و با پشتیبانی پیشگویی‌هایش به جایگاه بلندی در میان پیروانش دست یافت و به پیروزی‌های بزرگی رسید. این پیروزی‌ها سبب شد تا تابعینش او را شایسته حکومت بدانند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲/۸). به گزارش ابن عمرانی (متوفای ۵۸۰) شورش او ممکن بود برای همیشه خلافت عباسی را از پای درآورد (ابن عمرانی، ۱۳۷). صاحب زنج با ادعای ماورایی، جایگاه قدسی خودش را نزد یارانش فزونی بخشید (طبری، ۸۷/۹-۴۸۸). شأن قدسی که صاحب زنج برای خود ساخته بود با آنکه به مبانی شرع هم پای‌بند نبود، چنان وجهه‌ای به وی بخشید که ادعا کرد پیامبری را به او عرضه کرده‌اند؛ اما به دلیل ترس از اینکه نتواند به خوبی از پس آن برآید، نپذیرفته است (همان، ۹۹/۹). او مدعی بود در سفر مدینه به بصره در بادیه (صحرا) راه را گم کرده بود، به ابری دستور داد تا وی را به سمت بصره راهنمایی کند و آن ابر هم چنین کرد (همان، ۱۱/۹). با این همه، امام علیه السلام در نامه‌ای به محمد بن صالح خثعمی، انتساب صاحب زنج به خود را رد کردند (اربلی، ۲۵/۲).

۴-۲. نقش مفسران

غالیان با تأویل گرایی، زمینه‌های مستندسازی اعتقادات خود را پدید می‌آوردند. این اتهام در قرن سوم موج حمله سایر فرق اسلامی به امامیه را افزایش داد (احمدی کچایی و ترابی، ۴۱). پدید آوردن تردید در باور به قرآن و ادعای اینکه مصحف امام علی علیه السلام و مصحف فاطمه (۸)، بسیاری از سوره‌های حذف شده قرآن را در خود دارد و آن سوره‌ها در فضل اهل بیت است (سبحانی، ۱۱۰/۱)؛ به همراه باور به نبوت علی علیه السلام و اشتباه جبرئیل در وحی به دلیل شباهت زیاد علی علیه السلام به پیامبر ۹ بخشی دیگر از اعتقادات غلات بود (مودب و رستمی، ۵۲ به نقل از امینی، ۳۱۳/۳). به عبارت دیگر این جریان در واقع تأویل قرآن را حقیقت قرآن می‌دانست (هدایت پناه، ۲۲۶). در برابر این رفتار دینی، پایگاه رسمی امامیه - بیت امامت در سامرا - به پای بندی به قرآن موجود تأکید داشت.

غالیان، دستی هم در روایات تفسیری داشتند چنان که غالبان نامداری چون محمد بن حسین معروف به صائغ (متوفای ۲۶۹؛ نجاشی، ۳۳۷) فرات بن احنف (فرات، ۱۱۸) و محمد بن عبدالله بن مهران کرخی (همان، ۴۲۲) در سندهای تفسیر فرات حضور گرمی دارند (همان، ۵۸).

رخنه اعتقادات غلات در میان امامیه به سرعت شیوع یافت و تکاپوهای غالبان در بصره (همان، ۷۸)، کوفه (نجاشی، ۱۶۴-۱۶۵؛ ابن غضائری، ۷۸، ۸۲) و مدائن (همان، ۸۹) فراگیر شد. بر این اساس، برخی کتاب‌های اصفیاء امیرالمومنین، کتاب سلیم بن قیس هلالی و تفسیر قمی را بر ساخته از ساختار جعل روایت در میان غالبان دانسته‌اند (راضی، ۳۱۳-۳۱۵). این علاوه بر حجم گستره جعل حدیث در سده سوم هجری است. پهنه این شرایط آن قدر فراخ بود که مدرسه اهل بیت نیز از دسترس این امر به دور نبوده و پردازش خرافات و دروغ‌ها و نسبت آنها به فرهنگ روایی اهل بیت، هم در این مدرسه رواج داشت. برخی از جعل‌ها در حقیقت سوء برداشت از سخن یک امام بود. چنان که عبارت «فانا صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا» از نامه امام علی علیه السلام به معاویه، مایه‌های این باور را پدید آورد که برخی می‌گفتند حضرت علی علیه السلام آفریننده مخلوقات

است (رحمان پور، ۵۸).

متون امامیه در آن زمان مانند *بصائر الدرجات*، مشتمل بر روایت عجیبی درباره مقامات امامان شیعه و گستره علم آنان بود. گویا به همین دلیل ابن ولید (۲۷۰-۳۴۳) استاد شیخ صدوق از آن کتاب روایت نمی‌کرد چرا که مطالب غلوآمیز آن در شأن ائمه دست‌کم حاوی سبکی از نگاه عالمان قمی به پیشوایان دینی بود. باب‌هایی از این کتاب مانند «خلق أبدان الأئمه و قلوبهم و أبدان الشیعه و قلوبهم لئلا یدخل الناس الغلو فی عجائب علمهم» (صفار، ۱/۱۴) و «ما خص الله به الأئمه من آل محمد و ولایه الملائکه» (همان، ۶۷/۱) می‌توانست مورد نقد سایر گروه‌ها قرار گیرد. به‌ویژه باب‌های «أمیر المؤمنین و أولى العزم أیهم أعلم» (همان، ۱/۲۲۷)، «أئمه أفضل من موسی و الخضر علیهما السلام» (همان، ۱/۲۲۹) و «الأئمه عندهم الكتب التي فیها أسماء الملوك الذين یملكون» (همان، ۱/۱۶۸) حاوی مطالبی بود که تنه به باورهای غالیان می‌زد یا لاقبل می‌توانست مقدمه‌ای بر باورهای آنها باشد. به دلیل درونمایه *بصائر الدرجات*، اهتمام جدی مکتب قم در مقابله با احادیث غلوآمیز از دریچه این کتاب قابل درک است (طالعی، ۱۰). در واقع مدرسه قم، غلو را کاملاً متفاوت از دیگران معنی می‌کرد، تا جایی که باورنداشتن به «سهوالنبی و سهو الامام» در این مکتب، خود گام نخست غلو بود (ابن بابویه، ۱/۳۶۰).

۲-۵. جایگاه اهل حدیث

هم زمان با بالیدن جریان اهل حدیث در سده سوم و به‌ویژه پس از پیروزی محدثان بر معتزله در عصر متوکل عباسی، کشمکش‌های حدیثی در سده سوم میان محدثان شیعی و سنی، سرانجام به سوی برخی از باورهای غالیانه رفت. نسبت دادن عقاید انحرافی به صحابه و کافر شمردن طیفی از آنها که تن به ولایت علی علیه السلام ندادند، سبب شد انگیزه‌های اهل سنت در طرح نظریه عدالت صحابه به اجرا درآید (مودب و رستمی، ۹۸). پیرو یک فرهنگ عمومی رایج میان شیعیان آن دوره، تمام کسانی که با علی علیه السلام دشمنی می‌ورزیدند، دارای ابهام در حلیت تولد بودند (مسعودی، مروج، ۳/۴۷۵). این رقابت درون دینی، تا آنجا پیش رفت که محدثان غیر شیعی نیز به

کرامت‌سازی برای صحابه پرداختند (صفوری، ۲۸۲/۲، ۲۷۵). این امر بعدها از سوی امامیه نیز الگوبرداری شد (نک. دمیری، ۷۹/۱).

۶-۲. تأثیر دهریه

«دهر» به معنای روزگار و تفکر دهری معادل نفی رستاخیز بود. آنها جبر انگار و طبیعت‌گرا بوده و منکر عوامل ماورایی (خدا)، شریعت و مانند اینها بودند. آنها زمانه را عامل حرکت جهان می‌دانستند و به خالق و پیامبران اعتقاد نداشتند. اعتقاد به حسن و قبح ایام که در حقیقت ریشه در باورهای «کیالیه» و «دهریان» داشت و به نوعی صانع بودن پرودگار (ابن شاذان، ۳۹) و ارسال رُسل (پیغمبران) (همان، ۶۳) را زیر سوال می‌برد، از طریق دهریان وارد ادعاهای غالیان شد. البته اهل غلو این باورها را تأویل کردند و متأثر از همین تفکر، گاهی با تأویل بردن توانایی‌های پیامبران و ائمه و گاهی با ادعای رسالت برای رهبران دینی یا پنداشتن صفات و مقاماتی برای معصومین و همسان دانستن صفات ائمه با صفات الاهی به باورسازی می‌پرداختند (سند، ۱۶۳).

نقش دربار عباسی در شکل‌گیری غلو

عباسیان با رفتارهای سیاسی خود و تلاش برای حذف رقبا به گونه‌ای شرایط را برای رشد جریان غلو فراهم کردند. برای مثال رفتارهای توهین آمیز متوکل نسبت به علی علیه السلام در مجالس شبانه‌اش (دمیری، ۱۲۴/۱) که با عکس‌العمل منفی پسرش منتصر نیز مواجه شد، شیعیان را به واکنش واداشت و در این میان غالیان با زیاده‌گویی در شأن آن حضرت، از این فضا برای ادعای دفاع از علی علیه السلام استفاده کردند. نکته دیگر اینکه عباسیان به مانند امویان به کسانی که آنها را در برابر خود رقیب سیاسی و یا نظامی می‌دیدند، اتهام‌های غلوآمیز می‌زدند (شهرستانی، ۱۶۲). این کار برای آن بود تا مردم را از دور رقبای خود بپراکنند؛ در حالی که ناخواسته همین رفتار سبب می‌شد، نوعی احساس فراوان بودن جمعیت غالیان در جامعه منتشر شود.

گونه‌شناسی غالیان امامیه

گونه‌شناسی باورهای غلو آمیز نشان می‌دهد که سه واژه «غالی»، «اهل غلو» و

«غلات» تعبیری برای نشان دادن منحرفان اعتقادی بود که به شخصیت‌های مورد اعتقادشان نسبت‌های الهی می‌دادند. غالیان اعتقادی در یکی از این سه محور: ۱- باور به خداوندی یا صفات الهی در ائمه؛ ۲- ادعای نبوت برای امام؛ ۳- دعوت به اباحه-گری فعالیت می‌کردند (صریفی، ۲۹۹؛ غیری، ۳۰۹).

از میان غالیان امامی، یک دسته پذیرفته بودند که علی علیه السلام پروردگار است و عده‌ای از یارانش مأمور تدبیر جهان‌اند. گروه دیگری امامان را دارای شأن پیامبری و الوهیت می‌دانستند و گروه سوم، شناخت امام را به معنای کفایت از انجام مراسم دینی و بی‌نیازی از پای‌بندی به شریعت، می‌شمردند (ابن بابویه، ۵۴۵/۴). معیار شناسایی اهل غلو، عبادت کردن و اهل طهارت بودن، بود، زیرا اهل غلو در پی عبادت نبودند و آن را بر خود بخشیده می‌دانستند (همان). آنها تأویل‌های شگفتی برای احکام شرعی به کار می‌بردند، مانند این ادعا که شراب، نماز و روزه هر یک نام مردانی هستند نه اینکه معنای حکم شرعی داشته باشند. آنها همچنین با واجب دانستن روزه ماه شعبان و تغییر ساعت‌های نماز، مایه دور شدن مردم از فرهنگ دینی اهل بیت می‌شدند (ولی‌پور، ۱۸-۲۱). اعتقاد به حلول، جسم بودن خداوند، تقسیم ارزاق بندگان به وسیله ائمه از دیگر پندارهای این گروه به شمار می‌رفت (همان، ۲۱-۲۴). در آن زمان احمد بن محمد بن عیسی اشعری (زنده به سال ۲۷۴)، «علی بن حسکه» و «قاسم یقطنی» از سردمداران اصلی «غلو» بودند و می‌گفتند امام این آموزه را به ایشان آموخته است (کشی، تحقیق طوسی، ۵۱۶). ابن بابا مدعی بود که از سوی امام هادی علیه السلام به پیامبری منصوب شده‌است؛ سخنی که بعدها پیروان محمد بن نصیر نمیری (متوفای ۲۷۰) هم آن را پذیرفتند و این ادعا را درباره محمد بن نصیر مطرح کردند. از مختصات این فرقه، باور به تناسخ و مقام ربوبیت برای امام هادی علیه السلام دانسته شده‌است. دسته دیگر غالیان معروف به «علیایه» با سردمداری موسی سواق و یارانش باور داشتند که محمد پسر امام هادی علیه السلام خودش پیامبر است (همان، ۵۲۰-۵۲۱).

برخی از یاران امام عسکری علیه السلام به تفویض گرایش داشتند. سهل بن زیاد واسطی یکی از اینان بود. از او روایتی درباره قدرت امام علیه السلام در تصرف در ابرها نقل شده‌است

(مفید، ۳۲۶). یک دیدگاه معتقد است کسانی مانند عباس بن صدقه، ابو العباس طرنانی (طبرانی) و ابو عبدالله کندی معروف به شاه رئیس که نام آنان در رجال کشی در زمره غالیان زمان امام عسکری علیه السلام ذکر شده است، از غالیان عصر امام هادی علیه السلام هستند (حاجی زاده، ۲۰۳).

رویارویی امام حسن عسکری علیه السلام با غالیان

مهمترین ویژگی غالیان ایجاد چند دستگی میان شیعیان بود زیرا آنها خود را به امامیه منسوب می کردند و علاوه بر بدنامی، تفرقه و واگرایی امامیه، سبب موضع گیری سایر فرق علیه شیعه می شدند (مطهری، ۸۷). تفسیرهای مصداقی در کلام غلات (طبرانی، ۱۳) و تبلیغات غالیان، گروه های دیگر را به آنان متمایل می کرد (نجاشی، ۳۳۶-۳۳۵). برای نمونه ابوالقاسم علی پسر احمد بن موسی بن جواد علیه السلام که امامی مذهب و نویسنده کتاب های فراوانی از جمله کتاب *الأوصیاء* در امام شناسی و کتاب *فی الفقه علی ترتیب المنزی* در فقه بود، مدتی پیرو مذهب *مُخَمَّسه* شد و کتاب هایی درباره غلو و تخلیط نگاشت (طوسی، ۲۷۱). مخمسه اعتقادشان این بود که این پنج نفر یعنی سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و عمرو بن امیه ضمیری، موکلان مصالح دنیا هستند و اداره امور جهان به دست آنهاست (کشی، تحقیق رجایی، ۷۰۲/۲).

خطر بزرگ و ماندگار غالیان، آمیختن روایات غالیانه با روایت های اصیل امامیه و نقل آنها در محافل شیعی بود (همان، ۸۰، ۱۶۵). غالیان، برخی از یاران حقیقی امام حسن عسکری علیه السلام مانند ابوهاشم جعفری که با توجه به شخصیت علمی ممتاز و جایگاه برجسته اجتماعی اش، در نزد اغلب گروه های فکری مورد احترام بود را نشان کرده و روایت های غالیانه خود را به وی نسبت می دادند تا سخنشان قابل پذیرش شود (موسوی تینانی، ۵۸). انتشار کتاب های امامیه که با محتوای غلو آمیخته و وارد جامعه شده بود، در گذر زمان کار بازیابی متون سره از ناسره را بسیار مشکل کرد و آموزه های غالیانه را وارد اجتماعات امامیه کرد (حسینی شیرازی و وکیلی، ۴۴). از این رو افرادی از شیعیان سر از جمع غالیان درآوردند. برای نمونه محمد بن حسن بن شمون

(متوفای ۲۵۸)، یکی از راویان امام حسن عسکری علیه السلام (کلینی، ۶۳۶/۲؛ مسعودی، اثبات، ۲۵۰) ابتدا به واقفیان پیوست و سرانجام کارش به غلو کشید (نجاشی، ۳۳۶-۳۳۷).

امام حسن عسکری علیه السلام در برابر غالیان بسته به میزان خطر آنها دستورات ویژه‌ای را صادر کرد. ایشان گاهی خود دست به کار می‌شد. مثلاً وقتی عروه دهقان از افراد مورد اطمینان و مسئول خزانة امام علیه السلام در بغداد، منحرف شد (کشی، تحقیق رجایی، ۸۴۷/۲) و خزانة را غارت کرد و آتش زد و گریخت، امام علیه السلام او را نفرین کرد (ابن شهر آشوب، ۴۳۵/۴). دست درازی به اموال امام علیه السلام به معنای رد حقانیت وصایت ایشان پس از امام هادی علیه السلام بود. آن حضرت پیرو برنامه‌های پدرش شرايطی را برای غالیان ایجاد کرد تا از آمیختگی شیعیان با آنان جلوگیری کند و زندگی اجتماعی غالیان را نیز تهدید کند. به دنبال این سیاست، حتی راوی بزرگی چون محمد بن اورمه که از نظر درباریان نسبت به روایت‌های شناخت شأن امام علیه السلام از بقیة پیشتاز بود (کلینی، ۵۲۲/۱، ۴۵۴، ۳۶۹/۲، ۳۸۰)، هنگامی که از سوی علمای شهر متهم به غلو شد، جانش به خطر افتاد. در نهایت او با برپایی نماز و سایر اعمال عبادی، ثابت کرد که اهل غلو نیست (ابن بابویه، ۵۴۵/۴)؛ زیرا اهل غلو عبادت را بر خود بخشیده می‌دانستند (همانجا). معیار شناخت غالیان، دقت در وقت نمازها و ادای این فریضه از سوی آنان بود (کشی، تحقیق طوسی، ۵۳۰). امامیه به تبعیت از سفارش‌های امام، غالیان را به جمع خود راه نمی‌دادند، در تشییع جنازه آنها حاضر نشده و برایشان طلب مغفرت نمی‌کردند (اربلی، ۴۲۶/۲). همچنین دروغ‌گویی آنها را برای بقیة بیان کرده و از بحث کردن درباره آنها خودداری می‌کردند (کشی، تحقیق طوسی، ۵۲۲). به صورت مشخص، امام، این سه نفر یعنی ابن بابا، محمد بن نصیر و فارس بن حاتم قزوینی را لعن کردند (همان). فارس بن حاتم که مایه بدعت در دین شده بود، به امر امام علیه السلام به دست «جئید» از پای درآمد (همان، ۵۲۶). برخی از اهل غلو تحت تعقیب امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفتند و از بغداد به کوفه گریختند و تا زمان شهادت امام علیه السلام در کوفه پنهان شدند (خصیبی، ۳۵۸).

غالیان خطابه به صورت گسترده اعتقاد به علم غیب اهل بیت را مطرح می‌کردند، امام عسکری علیه السلام یارانش را از پرسش از علم غیب پرهیز می‌داد زیرا اتهامی که دستگاه

عباسی آن حضرت را به آن متهم می‌کرد این بود که آن حضرت ادعای علم غیب دارد. اما غلات با توجه به همین موضوع، اخباری جعل کرده و به غلو در شان ائمه پرداختند (همان، ۳۳۴). پاره‌ای از منابع سنی سده سوم، بر مبنای همین رفتارهای غلات، امامیه را حرکتی غلوآمیز معرفی می‌کردند (دینوری، المعارف، ۶۲۴؛ همو، عیون، ۱۶۰/۲).

گفتگو میان عالمان امامی و غالیان نیز یکی دیگر از شیوه‌ها برای بازگشت آنها به مسیر امامیه بود. مناظره‌هایی که میان عالمان امامی و غلات انجام شد، از سوی بیت امامت در سامرا، پشتیبانی می‌شد (همان، ۵۲۳). سازمان مدیریت دینی امامیه در سامرا و سایر شهرها که نیمه مخفی بود، از یکسو با انحراف چهره‌های بزرگش مواجه بود و از سوی دیگر می‌بایست اساس سازمان دعوت امامیه به صورت کلی همچنان پنهان می‌ماند؛ از این رو امام با این تعبیر که «فاسقان منحرف که سخن خبیثانه‌ای می‌گویند و خدایشان لعنت کند»، غالیان موجود در سازمان دعوت امامیه را به پیروان امامی معرفی می‌کردند (همان، ۵۲۷).

روش دیگر امام علیه السلام در مبارزه با غلات، روشنگری در قالب کتاب نگاری بود. بر اساس این سبک از مبارزه، اسماعیل بن علی بن اسحاق از نوبختیان، کتاب *الرد علی الغلاة* (نجاشی، ۱۳۲) و ابوالحسین عقرائی تمار کتابی در رد غالیان نوشتند (همان، ۷۴). همچنین سعد بن عبدالله اشعری (از عالمان بزرگ قم) کتابی در این موضوع نوشت (همان، ۱۷۷). دسته‌ای از غالیان ضمن اینکه به ائمه ایمان داشتند، پس از دوران غیبت صغری، به مرشدانی معتقد شدند که ملقب به «پیر»، «آده»، «دده» یا «بابا» بودند. آنها بدون هیچ پای‌بندی به مسائل فقهی و شرعی، صرفاً پای‌بندی به یکسری آیین‌های خاص را نماد تشیع می‌دانستند (BALI, 2009).

غالیان برای زهر چشم گرفتن از مخالفان و القای ترس در میان شیعیان، به کشتن برخی از سران نامدار شیعه پرداختند که علناً با غلات مخالفت می‌کردند؛ چنان که محمد پسر احمد بن موسی بن ابراهیم بن امام کاظم علیه السلام یکی از مخالفان نامدار غلات در آذربایجان به دست مفلح غلام ابن ابی‌ساج از سران اهل غلو کشته شد (ابن کلبی، ۶۵).

نتیجه

عصر امام حسن عسکری علیه السلام یکی از دوره‌های پرفراز و نشیب تاریخ امامیه به دلیل رویارویی با اندیشه غلو است. بررسی بسترهای رشد و گسترش تفکر غالیان نشان می‌دهد که آنان با بهره‌گیری از شرایط پیش آمده، توانستند به گسترش دامنه تبلیغات خود دست بزنند. پیشوای یازدهم نیز بر اساس یک راهبرد بلند مدت، ضمن کاربست روش‌های مختلف در برابر آنان، از ظرفیت یاران بهره گرفته به مواجهه با غالیان پرداختند. بسترهای آماده برای رشد غلو، موجب گسترش و تنوع غلوگرایی شد. تلاش امام حسن عسکری علیه السلام و طیف امامیه در برابر غلو، مایه خط کشی رفتاری میان امامیه و آنان شده و در بازشناسی باورهای غلو برای امامیه در دوره‌های بعد راهگشا شد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
- ابن عمرانی، محمد بن علی، الإنباء، تحقیق قاسم سامرای، قاهره، دارالآفاق العربیه، ۲۰۰۱/۱۴۲۱.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق محمد رضا حسینی، قم، دار الحدیث، ۱۳۶۴ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- ابن جوزی، ابوالفرج، أخبار الطراف و المتماجنین، تحقیق عبد الأمير مهنا، بیروت، دار الفكر اللبناني، ۱۹۹۰.
- _____، القصاص و المذکرین، تحقیق محمد بن لطفی الصباغ، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۴۰۹.
- ابن شاذان، فضل، الايضاح، تحقیق سید جلال الدین ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳ش.
- ابن شهر آشوب، محمد، المناقب، قم، موسسه انتشاراتی علامه، ۱۳۷۹.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۶/۱۴۰۷.
- ابن کلبی، هشام بن محمد، جمهره النسب، تحقیق حسین ناجی، [بی جا]، عالم الکتب، بی تا.
- احمدی کجایی، مجید و روح الله ترابی میبدی، «رفتار شناسی امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در تقابل با جریان های انحرافی تا دوره غیبت»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، سال سوم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱۱، ص ۲۷-۴۸.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
- ثواب، جهانبخش و دیگران، «واکاوی تاریخی جایگاه دوره شاه خوشین در آیین یاری (با تاکید بر نسخه خطی دفتر دوره شاه خوشین)»، مجله مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، ص ۶۴-۹۵. Doi: 10.30484/JII.2022.3099.1079
- حاجی زاده، یدالله، «غالیان زمان امام حسن عسکری علیه السلام و تذکر یک اشتباه»، سخن تاریخ، انتشار آنالین، ۱۶ فروردین ۱۴۰۲.
- حاجی زاده، یدالله، «مواجهه فکری و عملی امام هادی علیه السلام با جریان غلو»، مجله سخن تاریخ، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره ۲۶، ص ۱۹۳-۲۲۰.
- حاجی زاده، یدالله و محمد رجبی، غالیان و شیوه های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان، بی جا، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ش.
- حسان بن ثابت الأنصاری، دیوان حسان بن ثابت الأنصاری، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۴.
- حسینی شیرازی، سید علیرضا و طاهر عزیز وکیلی، «بازخوانی گزارش دس و تحریف غالیان در پرتو

- کارکرد فرهنگی نهاد امامت» فصلنامه امامت پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۳، ص ۳۱-۷۰.
- خصیعی، حسین بن حمدان، الهدایه الكبرى، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۹۹۱/۱۴۱۱.
- دفتری، فرهاد، تاریخ الاسلام الشیعی، ترجمه سیف الدین القصیر، بیروت، دار الساقی، ۲۰۱۷.
- دمیری، کمال الدین، حیاة الحیوان الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴.
- دینوری، ابن قتیبہ، المعارف، تحقیق ثروت عکاشہ، قاهره، الهیئۃ المصریہ العامہ للکتاب، ۱۹۹۲.
- _____، عیون الأخبار، تحقیق یوسف علی طویل، بیروت، دار الکتب العلمی، ۱۴۱۸/۱۹۹۸.
- راضی، عبدالله حسین، الموامرہ الكبرى علی مدرسه اهل البیت، بیروت، دارالمحجۃ البیضاء، ۲۰۰۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، بی تا.
- رحمان پور، فرهاد، «نگاهی به موضوع غلو در دین؛ بررسی نمونه‌هایی از احادیث مستمسک غالیان»، صهبای نور، سال اول، اردیبهشت ۱۳۹۶، شماره دوم، ص ۶۴-۵۳.
- روح الله زاده اندواری، عالیہ و سید علی اکبر ربیع نتاج، «سیره امام حسن عسکری علیه السلام در برخورد با فرقه غلات»، کرمان، دانشگاه پیام نور، همایش ملی امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.
- رحیم خریط، عطیہ، «الإمام الحسن العسکری در اسه فی التأثير والتأثر» مجله مرکز دراسات الکوفه، ۲۰۲۲، مجلد ۱، عدد ۶۴، ص ۱۰۹-۱۳۴.
- زجاجی، عبدالرحمن، أمالی الزجاجی، تحقیق عبد السلام محمد هارون، بیروت، دارالجلیل، ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
- سبحانی، جعفر، رسائل و مقالات، قم، مؤسسه الإمام الصادق، ۱۴۲۵.
- سجادی، حامد و میثم فرخی، «نحوه مواجهه ائمه اهل بیت علیهم السلام با اجتهاد و انحراف (مطالعه موردی اهل سنت و غالیان)»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروز و حدت)، سال دهم، دوره جدید، شماره ۳۸، اسفند ۱۳۹۳، ص ۸-۱۷.
- سند، محمد، الغلو و الفرق الباطنیہ، رواة المعارف بین الغلاة و المقصره، قم، باقیات، ۱۳۸۹ ش.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۳۵ ش.
- صریفی، محمد نعمه طاهر و حسن کریم ماجد ربیعی، «فکر الامامین العسکریین علیهم السلام فی رد ثقافه التطرف الدینی»، مجله الکلیه الاسلامیه الجامعه الکوفه، عدد ۴۹، ۲۰۱۸، ص ۲۹۳-۳۰۷.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۴.
- صفوری، عبدالرحمن، نزهه المجالس و منتخب النفاس، تحقیق عبدالوارث محمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹/۱۹۹۸.



- طالعی، عبدالحسین، «جستاری درباره بصائر الدرجات: پژوهشی نو در کتابی کهن»، دو ماهنامه آئینه پژوهش، دوره ۲۷، آذر و دی ۱۳۹۵، شماره ۱۶۱، ص ۸۱-۸۶.
- طبرانی، میمون بن قاسم، مجموع الاعیاد، تصحیح ر. شتروطمان، مجلد ۲۷ من مجله الاسلام، همبورغ، ۱۹۴۳.
- طبری، ابو جعفر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷/۱۹۶۷.
- طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم، ستاره، ۱۴۲۰.
- غریبی، سامی، الجذور التاريخیه و النفسیه للغلو و الغلاه دراسه تحلیلیه فی الهویه و الجذور لواقع الفرق المغالیه، قم، نگارش، ۱۴۲۴.
- غفوری نژاد، محمد و محمدتقی ذاکری، «مأخذشناسی و بازشناسی محتوای کتاب الاوصیاء شلمغانی معرفی و نقد»، فصلنامه انتظار موعود، پاییز ۱۳۹۴، دوره ۱۵، شماره ۵۰، ص ۹۵-۱۱۸.
- فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات، بی جا، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، بی تا.
- فلاح زاده، احمد و محمد سپهری، «درآمدی بر رویکرد سیاسی - مذهبی معتز عباسی (ح ۲۵۲-۲۵۵ق) در برابر امامیه»، تاریخ اسلام، دوره ۲۲، شماره ۳، دی ۱۴۰۰، ص ۱۹۵-۲۱۸. **Doi: 10.22081/HIQ.2022.72173**
- فلاح زاده، احمد، «تعامل امامیه و سایر فرق مسلمان در عصر عسکریین علیه السلام»، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد سپهری، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی تهران، ۱۳۹۷ش.
- _____، «مهندی عباسی (حک. ۲۵۵-۲۵۶) از اصلاحات سیاسی تا مبارزه با امامیه»، سیره پژوهی اهل بیت، دوره ۵، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۷۵-۹۴. **Doi: 10.22081/CSA.2020.68496**
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی)، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
- _____، رجال الکشی، تحقیق محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق دار الحدیث، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹.
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، انصاریان، ۱۳۸۴ش/۱۴۲۶.
- _____، التنبيه والاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی، بی تا.
- _____، مروج الذهب، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹.

- مطهری، حمید رضا، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، الموترم العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- مودب، سید رضا و علیرضا رستمی هرانی، «غالیان و تاثیر برخی اقدامات آنان بر فرهنگ قرآنی شیعه»، شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۸، تیر ۱۳۹۱، ص ۳۹-۷۴.
- موسوی تنیانی، سید اکبر، «جریان شناسی فکری امامیه از افول مدرسه کوفه (اواخر سده دوم هجری) تا ظهور شیخ مفید در بغداد، بصره، خراسان و ماوراء النهر»، رساله دکتری، استاد راهنما: محمدتقی سبحانی، گروه فرق تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده شیعه شناسی، ۱۳۹۵ش.
- ناشی اکبر، مسائل الإمامه، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.
- نجف پور، عزیز و دیگران، «وضعیت حوزه های علمی معاصر، نهضت ترجمه و زمینه ها و عناصر شکل گیری نهضت»، معرفت در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۳-۱۶۷.
- نظریبگی، مریم و احمد فلاح زاده، «امام حسن عسکری و حل پالش اثبات امامت بر اساس الگوی تبلیغ کانونی»، شیعه شناسی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۱۰۹-۱۳۴.
- Doi: 10.22034/SHISTU.2021.530630.2055**
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴.
- ولی پور، سوسن، «واکاوی جریان غلو و جعل حدیث در فرقه خطابیة و رفتار ائمه علیهم السلام با آنان»، مذاهب اسلامی، سال سوم، شماره ششم، اسفند ۱۳۹۵، ص ۹-۲۹.
- هدایت پناه، محمدرضا، «مواجهه حوزه اهواز با فرقه های مذهبی و تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابنا الرضا»، سخن تاریخ، س ۱۱، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۲۲۱-۲۴۸.
- یزدانی، حسین، «شریعت در کشف المحجوب هجویری»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۳-۱۰۴.
- Adang, Camilla and et al, *Accusations of unbelisf in islam, a diachronic perspective on takfir*, leiden, boston, brill.
- Balî, Awê , “Lêkolînek li ser Alewiyan12 Îmam”, 2009. Retrieved feb.15, 2024, from https://www.amidakurd.net/ku/tekst/1%C3%AAko1%C3%AEnek_li_ser_alewiyan.